

یادداشتی از شکوفه کشوری فعال رسانه و فرهنگی اجتماعی؛

از شانه خالی کردن تا گسست کامل؛ بررسی آسیب‌شناسی بی‌پاسخگویی حزبی در ایران

در نظریه‌های کلاسیک و معاصر حکمرانی، احزاب سیاسی ستون فقرات نظام نمایندگی و واسطه‌ای اصلی میان مردم و قدرت تلقی می‌شوند. حزب، صرفاً ماشین انتخابات نیست؛ بلکه نهادی است برای تجمیع مطالبات اجتماعی، صورت‌بندی منافع عمومی، تربیت کادر مدیریتی و پاسخگویی مستمر به جامعه. با این حال، تجربه زیسته جامعه ایرانی نشان می‌دهد که فاصله معناداری میان «تعریف نظری حزب» و «کارکرد عملی آن» وجود دارد.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، شکوفه کشوری فعال رسانه و فرهنگی اجتماعی در یادداشتی با عنوان "از شانه خالی کردن تا گسست کامل؛ بررسی آسیب‌شناسی بی‌پاسخگویی حزبی در ایران" آورده است؛

در نظریه‌های کلاسیک و معاصر حکمرانی، احزاب سیاسی ستون فقرات نظام نمایندگی و واسطه‌ای اصلی میان مردم و قدرت تلقی می‌شوند. حزب، صرفاً ماشین انتخابات نیست؛ بلکه نهادی است برای تجمیع مطالبات اجتماعی، صورت‌بندی منافع عمومی، تربیت کادر مدیریتی و پاسخگویی مستمر به جامعه. با این حال، تجربه زیسته جامعه ایرانی نشان می‌دهد که فاصله معناداری میان «تعریف نظری حزب» و «کارکرد عملی آن» وجود دارد.

۱. ورود فصلی و انتخاباتی؛ آفت ساختاری تحزب در ایران
یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های نظام حزبی در ایران، ورود مقطعی و فصلی احزاب به عرصه سیاست است. بسیاری از تشکلهای موسوم به حزب، نه در متن جامعه حضور دارند، نه در فرآیندهای اقتصادی و معیشتی مردم نقش‌آفرینی می‌کنند و نه در دوره‌های غیرانتخاباتی مسئولیتی برای خود قائل‌اند. حزب در این الگو، تنها در آستانه انتخابات فعال می‌شود و پس از آن، به حالت تعلیق یا انفعال بازمی‌گردد. این رفتار، احزاب را از «نهاد اجتماعی پایدار» به «ابزار موقت قدرت» تقلیل داده و موجب فرسایش سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی شده است.

۲. شانه خالی کردن از مسئولیت؛ گسست حزب و منتخب
در بسیاری از موارد، پس از پیروزی نامزد منتسب به یک جریان یا حزب خاص، شاهد گسست کامل میان حزب و فرد انتخاب‌شده هستیم. حزب نه خود را در قبال عملکرد اقتصادی و سیاسی منتخب مسئول می‌داند و نه در بزنگاه‌های بحران، حاضر به دفاع، اصلاح یا حتی نقد درون‌جریانی است. این شانه خالی کردن از مسئولیت، نشان‌دهنده فقدان نظام پاسخگویی حزبی و نبود قرارداد شفاف میان حزب، نامزد و مردم است. در چنین شرایطی، حزب نه هزینه تصمیمات را می‌پردازد و نه در قبال وعده‌ها پاسخگوست.

۳. فرهنگ حزبی؛ حلقه مفقوده حکمرانی مشارکتی
تحزب، پیش از آنکه یک ساختار حقوقی باشد، یک فرهنگ سیاسی است. فرهنگ گفت‌وگو، تحمل نقد، التزام به برنامه، وفاداری به منافع عمومی و پذیرش مسئولیت جمعی. در جامعه ایرانی، ضعف فرهنگ حزبی باعث شده که احزاب بیشتر بر محور اشخاص، مناسبات غیررسمی و ائتلاف‌های موقت شکل بگیرند تا بر پایه برنامه، اندیشه و نظام تصمیم‌سازی شفاف. در نتیجه، حزب به مدرسه حکمرانی تبدیل نمی‌شود و نقشی در پرورش مدیران پاسخگو و متعهد به نظام مسائل واقعی جامعه ایفا نمی‌کند.

۴. احزاب و جهاد تبیین؛ فرصت از دست‌رفته
جهاد تبیین، به معنای روشنگری مسئولانه، روایت‌سازی صادقانه و تبیین واقعیت‌ها برای مردم است. احزاب، به‌طور بالقوه، می‌توانستند بازوی اجتماعی و عقلانی جهاد تبیین باشند؛ اما در عمل، یا به سکوت محافظه‌کارانه روی آورده‌اند یا به روایت‌های شعاری و مقطعی بسنده کرده‌اند. حزب زمانی در جهاد تبیین مؤثر است که:

در متن مسائل اقتصادی و معیشتی مردم حضور داشته باشد
زبان گفت‌وگو با جامعه را بلد باشد، نه صرفاً زبان بیانیه
در بحران‌ها مسئولیت بپذیرد، نه آنکه از صحنه کنار بکشد

۵. جمع‌بندی؛ آرمانی یا مطلوب؟
تحزب پاسخگو در ایران، نه صرفاً یک آرمان دست‌نیافتنی، بلکه یک ضرورت حکمرانی کارآمد است؛ مشروط بر آنکه احزاب از رفتارهای فصلی عبور کنند، مسئولیت عملکرد منتخبان خود را بپذیرند و به جای سیاست‌ورزی مقطعی، در مسیر نهادسازی اجتماعی، تبیین مستمر و حل مسئله واقعی مردم گام بردارند.

تا زمانی که حزب هزینه ندهد، پاسخگو نباشد و در بزنگاه‌ها سکوت را بر مسئولیت ترجیح دهد، نه مطالبه اقتصادی مردم به نتیجه می‌رسد و نه اعتماد سیاسی ترمیم خواهد شد.